

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۱۷/ سال یازدهم/ آذر ماه ۱۴۰۱/ نشریه سندیکاهای کارگری ایران



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۱۷ /
سال یازدهم / آذرماه ۱۴۰۱ در ایران بصورت جایی و الکترونیکی منتشر شد.



در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۶

پیکرها بر خاک، آرمان ها برباست! ص ۱۶

چرا مستمری بازنستگان تامین اجتماعی کم است؟ ص ۲۰

بکشنیه های اعتراض! ص ۲۱

شلغم بخور! ص ۲۳

وضعیت رضا شهابی در زندان بحرانی است! ص ۲۴

از شرکت واحد چه خبر؟ ص ۲۵

مراسم سالروز قانون کار در خانه کارگر! ص ۲۶

اعتراض به خصوصی سازی بانک رفاه کارگران ص ۲۷

زن زندگی آزادی!! ص ۳۰

به مناسبت اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان! ص ۳۳

به مناسبت برگزاری جام جهانی فوتبال ص ۳۴

هشدار بیداشتی! ص ۳۶

داستانی خواندنی ص ۳۷

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران معتقد است ص ۳۹

حرف های محبوبه فرحزادی معلم بازنشسته ص ۴۰

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی ص ۴۱

قطارهای مترو بازار متحرک دستفروشان ص ۴۳

وظیفه سندیکاهای کارگری ص ۴۴

چرا با خصوصی سازی مخالفم! ص ۴۵

اخلاق کارگری من! ص ۴۷

از کار کارگران کاخ ساختن و... ص ۴۸

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

هیأت تحریریه سندیکای کارگران فلز کارمکانیک ایران

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

=کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران

مراجعه کنید

به قتل عمد دولتی پایان دهید!

در تمامی کشورهای دنیا از اعدام به عنوان یک رویکرد غلط حکمرانی یاد شده و اجرای آن را نشان از ناتوانی حاکمان و سیاست های غلط در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می دانند. اعدام جوانان و صدور احکام اعدام برای دیگر معترضان و حتی کودکان زیر ۱۸ سال به لحاظ سیاسی بازدارنده نیست. فضا سازی و رفتارهای دهه شصتی هم با این رویکرد نتایج معکوس به دنبال دارد. این در حالی است آیت اله آملی و دستغیب نیز حکم محاربه و اعدام این جوانان را رد کرده و اقرار آنان را از لحاظ وجاهت قانونی بی ارزش دانسته اند.

به جای اعدام این جوانان پروژه آفازاده سازی، راه نفوذ اختلاسگران و چپاولگران به اموال عمومی را ببندید و ثروت عمومی را با بخشنامه ها در اختیار افراد خاص نگذارید. آفازاده ها، رانتخواران و مافیا به دنبال مهیا کردن فضایی هستند تا ماهی خود را از آب گرفته و کشور را ترک کنند و اینها هستند که پروژه خشونت ورزی را در جامعه رواج داده و از آن پشتیبانی می کنند. کافی است نگاهی به افزایش خروج ارز از کشور در این سه ماهه داشته باشیم که نه از سوی مردم زحمتکش بلکه از سوی مافیا صورت می گیرد. برخلاف مافیایی که خواهان خشونت است، جوانان زحمتکش و دانشجویان معترض به دنبال نفع شخصی نیستند و برای رفاه عموم و سربلندی جامعه دست به اعتراض زده اند.

صدور احکام اعدام برای جوانان معترض یک قتل عمد دولتی بوده و محکوم است و باید پایان یابد.

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران/ بازنشستگان سندیکای
بافنده سوزنی/ بازنشستگان فلزکارمکانیک/ بازنشستگان صنعت
چاپ/ بازنشستگان شهاب خودرو/ بازنشستگان مستقل قزوین/
بازنشستگان مستقل رامهرمز/ بازنشستگان مستقل بابل ۲۵ آذر**

سانسور غیر قانونی است!



طبق خبری که خبرگزاری ایلنا در تاریخ ۷ آذرماه منتشر کرده و سپس آن را از روی خروجی خبرگزاری برداشت، آقای رضا اسدآبادی خبرنگار حوزه کارگری این خبرگزاری روز چهارشنبه دستگیر شده است. همچنین خبرنگاران این خبرگزاری در شهرهای مختلف احضار شده و از آنان تهدید گرفته شده که اعتصابات کارگری را پوشش ندهند.

آزادی مطبوعات و بیان و عدم سانسور خبر و اندیشه جزو اولین مطالبات هر جامعه انسانی است و دستگیری و فشار بر خبرنگاران برای سانسور گزارش‌های خود، غیرقانونی و غیرانسانی است.

دستگیری خبرنگاران و فشار برای سانسور مطالب به ویژه در عرصه کارگری که بخش اعظم جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، از نظر ما محکوم است.

اگر بخش بازرسی وزارت کار و بازرسین تامین اجتماعی وظایف خود را درست انجام داده بودند نه حقوقی عقب می افتاد، نه کارگری خواستار طبقه بندی مشاغل می شد، نه کارگری به دلیل سودجویی کارفرمایان دچار حادثه می شد، و نه حق بیمه کارگران توسط پیمانکاران چپو می شد. دستگاه قضا به جای دستگیری خبرنگاران، کارگران، بازنشستگان، آموزگاران، نویسندگان، وکلا... بهتر است مدیران بی عرضه و فاسد را دستگیر کنند تا جامعه از دست اوباشان اقتصادی و سیاسی، و اجتماعی کمی نفس راحت بکشد.

رضا اسدآبادی و خبرنگاران خبرگزاری ایلنا تنها مجرای انعکاس درد و رنج زحمتکشاند و نه تنها مستوجب مجازات و دستگیری نیستند بلکه باید قدردان زحمات همه عزیزان خبرنگار که چشمان تیزبین جامعه در عرصه فساد و اختلاس و بی عرضگی هستند، بود.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی

بازنشستگان فلزکارمکانیک

بازنشستگان شهاب خودرو

بازنشستگان صنعت چاپ

بازنشستگان مستقل قزوین

بازنشستگان مستقل رامهرمز

بازنشستگان مستقل بابل ۷ آذر ۱۴۰۱

۵ آذر روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، شادباش!



اگرچه من به زندانم و دستم بسته در زنجیر و پایم

آش و لاش از ضربه شلاق و روح خسته از تحقیر،

ولیکن باز می ترسی تو زندانبان و می لرزی ز وحشت

از صدای پای هر عابر

در حالی به پیشواز روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان می رویم که در کشورمان ایران، خشونت علیه زنان به بی سابقه ترین وجهی اعمال می شود. اعمال خشونت در خصوص حجاب، خشونت در مورد آزادی بیان-مطبوعات-راهپیمایی و تجمع-خشونت و منع برگزاری مراسم سوگواری عزیزان جانباخته.

زنان کشورمان که از این همه بیداد به جان آمده اند جنبشی را رقم زدند که سرتاسر ایران را فرا گرفته است. زنان در هر خانواده ای باید تمامی مشکلات معیشتی را مدیریت کنند و بیشترین فشار روحی و روانی از حیث تصمیمات اقتصادی از جمله ۴ برابر شدن گرانی را تحمل و خانواده را بچرخانند. زنان در کشور ما نه تنها در خانواده، محل کار، خیابان و حتا تلویزیون باید خشونت های کلامی و جسمی و تحقیر را تحمل کنند، بلکه حقوق اجتماعی و اقتصادی شان هم در مقابل جامعه مردسالار چه به لحاظ دستمزد و چه به لحاظ کاری باید کمتر از مردان باشد.

جنبش زن زندگی آزادی علیه همه این تحقیرها و نابرابری‌ها شکل گرفته است. این شعار اشاره دارد به اینکه شخصیت و کرامت زن باید در جامعه محترم شمرده شود، وضعیت زندگی و معیشت باید انسانی بوده و قابل زندگی کردن باشد، آزادی‌های اجتماعی به ویژه آزادی بیان، پوشش، مطبوعات، فعالیت سیاسی، مدنی، صنفی محترم شمرده و اجرایی گردد. برای آنکه حقوق انسانی خود را بدست آوریم راهی به جز نبرد برایمان نمانده است. نبردی نابرابر و خونین. خون گلگون خدانور، کیان و دخترانمان مهسا، نیکا، حدیث و دختران دیگر راهی به سوی آزادی است.

مادران و همسران، خواهرن و دختران ما!

همراه شما برای زندگی عاری از خشونت و سرزمینی آزاد و عدالت محور خواهیم رزمید و روز ۵ آذر، روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان را همراه شما گرامی می‌داریم!

این روز بر همه زنان کشورمان، پرستاران، زنان کارگر و کارمند، زنان کشاورز، زنان تن فروش، دختران قالیباف، زنان آموزگار، زنان سرپرست خانوار و بدسرپرست، زنان خانه دار، زنان وکیل، هنرمند و ورزشکار، دختران کار و خیابان، زنان کارتن خواب، دختران کوچک فال فروش و گل فروش و مادران فردا، شادباش.

بیایید دست در دست هم برای تغییر این شرایط غیرانسانی مبارزه کنیم. برابری، آزادی، عدالت، همبستگی و صلح شعار همیشگی جنبش زنان بوده و هست. بدون زنان، هیچ جنبش فراگیر واقعی نمی‌تواند وجود داشته باشد. این اعتقاد ماست و برای آن می‌کوشیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران/ بازنشستگان سندیکای بافنده سوزنی/
بازنشستگان فلزکارمکانیک/ بازنشستگان صنعت چاپ/ بازنشستگان شهاب
خودرو/ بازنشستگان مستقل قزوین/ بازنشستگان مستقل رامهرمز/
بازنشستگان مستقل بابل ۳ آذر ۱۴۰۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



اخبار کارگری ذوب آهن!



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

پیروزی غرور آفرین زحمتکشان ذوب آهنی شادباش!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با اعتصاب ۲ روزه زحمتکشان ذوب آهنی و طرح خواسته‌های خود بصورت تجمع و فرصت دهی ۲ هفته‌ای به کارفرما و تهدید به اعتصابی سخت، امروز ۵ آذر مطلع شدیم مدیریت ذوب آهن طی جلسه‌ای در روز سه شنبه و چهارشنبه هفته گذشته که با حضور مسوولین تامین اجتماعی، شستا، صدر تامین برگزار گردید مصوب کردند:

۱- طرح طبقه بندی بازنگری و به روز شده تا رعایت در پرداخت ها حاصل شود

۲- نظام تسهیلات اصلاح شود تا این تسهیلات به صورت عادلانه توزیع گردد

۳- اصلاح و تایید مشاغل سخت و زیان آور در شرکت با هماهنگی وزارت کار

۴- افزایش حقوق کارکنان با بهره مندی همه از مزایای آن در زمان اشتغال و بازنشستگی و ترمیم دستمزدها به ویژه کارگران و افزایش درصد سختی کار، بیمارزایی مشاغل، زیان آور بودن مشاغل با اولویت کارگران خط تولید

۵- طبقه بندی مشاغل تا ۳ ماه آینده باید اجرا و ابلاغ گردد

۶- مبلغی به عنوان علی الحساب طرح طبقه بندی مشاغل با اولین حقوق پرداخت گردد.

۷- از روز چهارشنبه ۲ آذر بازنگری در طرح طبقه بندی مشاغل آغاز شود .

پیروزی زحمتکشان ذوب آهنی بر خانواده هایشان شیرین تر از عسل و خسته نباشید به رفقای سندیکایی حاضر در ذوب آهن.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

عدم ایمنی استاندارد باعث حوادث کاری در ذوب آهن!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، در اواخر آبان حوادثی در ذوب آهن رخداد که منجر به مصدوم شدن بهرام نیک آور و مهدی گلچین فرد گردید. بهرام نیک آور تعمیرکار انرژی کارگاه ۵۱ کوره بلند هنگام کار آسیب دید و روانه بیمارستان شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت که در حال حاضر حالش رو به بهبود است

و در خانه دوران پس از جراحی را می‌گذرانند. او ۱۸ سال سابقه کار در ذوب آهن را در کارنامه خود دارد.

مهدی گلچین فرد کارگر کارگاه نورد ۶۵۰ با ۱۶ سال سابقه پس از آسیب دیدگی به بیمارستان اعزام و تحت عمل جراحی دیسک کمر و جمجمه قرار گرفت. او در حال حاضر در خانه مراحل پس از جراحی را می‌گذراند.

اینکه دو کارگر با سابقه کاری ۱۶ و ۱۸ سال درگیر حوادث کاری می‌شوند نمی‌تواند از سهل‌انگاری کارگر ناشی شده باشد چون آنان با تجربه بود و از این حوادث کاری در محل کار زیاد دیده‌اند تنها می‌تواند نبود ایمنی مناسب آنان را درگیر حادثه کرده باشد.

مدیران ذوب آهن نمی‌خواهند سودهای نجومی را خرج ایمنی کنند و جان کارگران برایشان ارزشی ندارد.

مدیریت ابلهانه یعنی این!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پس از حوادث کاری که در کوره بلند ذوب آهن رخ داد و ما هم گزارش آن را دو روز پیش منتشر کردیم، تعدادی از حادثه دیدگان در نامه‌ای از مدیریت پرسیده‌اند: «نحوه تغییر وضعیت پرسنل حادثه دیده ناشی از کار چگونه است؟»

حال جواب مدیریت: «در زمان وقوع حادثه قرارداد موقت شرکت داشته باشد، دارای حداقل مدرک تحصیلی دیپلم باشد، رای کمیسیون تامین اجتماعی مبنی بر تایید نقص عضو ناشی از حادثه را داشته باشد»

به نظر مدیریت اگر کسی دیپلم ندارد نمی‌تواند محل کار خود را تغییر دهد. این پاسخ ابلهانه مدیریت و کارهای ابلهانه دیگر از جمله ندادن پاداش و اجرا نکردن طبقه بندی مشاغل است که ذوب آهن را درگیر اعتصاب می‌کند. بی تردید کارگران ذوب آهنی برای تغییر این مدیریت از پا نخواهند نشست.

ایران خودرو به فکر کارگانش نیست!



ایران خودرو

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، گوشی های ایمنی که در سالن های تولیدی توسط ایران خودرو خریداری و بین کارگران توزیع شده است بسیار بی کیفیت بوده و باعث عفونت گوش کارگران گردیده که اعتراض کارگران را در پی داشته ولی گوش مدیریت بدهکار اعتراض کارگران نیست. با توجه به حذف بخش امور پدر در معاینات دوره ای تست شنوایی توسط مدیریت و طب کار، کارگران به این بیماری مزمن مدتی است دچار شده اند.

گوشی های ایرانی که بندگان از نوع نخ بی کیفیت می باشد در زمان شستشو آب را به خود جذب کرده و درکدهای کارگران تا شیفیت بعدی خشک نشده و این رطوبت باعث تشکیل میکروب گشته و کارگران را بیمار می کند. برای کارهایی که تولید صدا می کند بهترین گوشی، گوشی های نوع خلبانی است.

کارگران با آنکه بارها اعتراض خود را نسبت به این نوع خریدها اعلام کرده اند و از مدیریت خواسته اند تا مامورین خرید صالح و پاکدستی را برای اینکار بگمارد، اما متاسفانه گوشی برای شنیدن این اعتراضات در مدیریت وجود ندارد و مدیریت با خریدهای بی کیفیت موافق است تا هزینه مالی کمتری را شرکت

متحمل شود. کارگران حتا شنوایی خود را هم از دست بدهند مهم نیست و سود بیشتر مورد نظر مدیرعامل می باشد.

پیروزی کارگران بهمن دیزل قزوین شادباش!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، اعتصاب کارگران بهمن دیزل قزوین در روز اول آذر که در اعتراض به اضافه کاری های اجباری صورت گرفت با موفقیت به پایان رسید.

در کارخانه بهمن دیزل اضافه کاری های اجباری روزانه به مدت ۴ ساعت و روز پنجشنبه ها باعث گردید تا کارگران با توجه به اخطارهای پی در پی به مدیریت اعتصاب را در همه بخش های کارخانه رقم بزنند. کارگران که شعار: «کارگر داد بزن / حقت تو فریاد بزن» را سر داده بودند و بعضی از کارگران هم روی پیراهن هایشان شعار «زن زندگی آزادی» را نوشته بودند با راهپیمایی و دعوت به اعتصاب سایر کارگران مدیریت را در یک موقعیت غافلگیر کننده گذاشتند. مدیریت که قبلن توسط نیروهای گوش به فرمان خود به کارگران پیام داده بود که اعتصاب را با خشونت پاسخ خواهد گفت، بعد از ظهر همان روز اتمام به لغو اضافه کاری نمود اما کارگران قانع نشده و اعلام کردند که دستمزدهایشان هم مناسب نیست. مدیریت مجبور گردید نه تنها ۲۰ درصد به حقوق کارگران اضافه کند بلکه نسبت به افزایش تولید هم مبلغ ۵ میلیون تومان به کارت کارگران واریز کرد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک این پیروزی را به کارگران با شهامت بهمن دیزل شادباش می گوئیم.

اخبار پروژه های نفت و گاز

اعتصاب کارگران پروژه ای مخازن سبز ماهشهر!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، ۴۰۰ کارگر شرکت های پیمانکاری پترو پای سازان و پارسین سازه فن آوران به پیمانکاری آقایان جهانی و کیوانی در عسلویه برای دومین روز در مقابل دفتر مدیریت دست به اعتصاب زدند. این کارگران خواهان پرداخت دستمزدهای عقب افتاده خود از مهرماه و آبان بوده و هنوز هم لیست بیمه شهریور ماه شان به تامین اجتماعی ارسال نشده است. این کارگران که ساخت مخازن سبز را به عهده دارند خواستار اجرای قوانین ۱۰/۲۰ هستند تا حقوق هایشان مانند دیگر کارگران طبق مقررات کمپین ۱۰/۲۰ افزایش یابد. کارگر فیتزر در این شرکت ها با حقوق ۲۵ میلیونی کار می کند در حالی که همین کارگر در شرکت های دیگر پتروشیمی بین ۳۲ تا ۳۵ میلیون دستمزد برای ۲۰ روز کار می گیرد.

از دیگر تخلفات این شرکت ها رد کردن لیست بیمه کارگران متخصص با عنوان شغلی کارگر ساده است. متأسفانه در این دو روز مدیریت هیچ پاسخی به کارگران نداده است. کارگران اعلام کردند تا اجرا شدن خواسته های خود به اعتصاب ادامه خواهند داد.

بی قانونی های کارفرمایان ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت نصب نیرو که زیر نظر مبنا بویلر در نیروگاه بوستانو در عسلویه کار می کند با فرستادن ۲۰ دARBست بند خود به مرخصی اجباری هنوز حقوق مرداد و شهریور ماه این کارگران را پرداخت نکرده است. متأسفانه سرپرست این شرکت آقای شهبازی هم هیچ سخنی در مورد زمان پرداخت بدهی کارگران اعلام نمی کند. تنها کاری که این شرکت انجام داده است بیمه این کارگران را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نموده است.

بارها به کارگران گفته ایم که بدون تسویه حساب کارگاه را ترک نکنند تا دچار این گرفتاری ها نشوند.

کارگران نفتگر با خلف وعده چه کنند؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران سکوی های نفتی که در آبان ماه دست به اعتصاب زده بودند، و سپس با مقام های امنیتی و نماینده وزارت کار و شرکت نفت جلسه های متعدد داشته و خواستار اجرایی شدن حقوق حقه خود که در قراردادهای نفتی ذکر شده بود، گردیدند. ولی پیمانکاران از دادن آن خودداری کرده و مبالغ ناچیزی در لیست های حقوق به آنان می دهند و بقیه حقوق کارگران را به جیب می زنند. متأسفانه امروز با خلف وعده های داده شده روبرو شدند و نمایندگان این کارگران آقایان افشاری و ندیم آقایی از شرکت فاتح صنعت که برای مذاکره رفته بودند در خشکی اجبارن ماندگار شده و از رفتن به محل کار خود در دریا منع شده اند. در شرکت افق جهان پارس هم در روند انتخاب نماینده کارگران از سوی شرکت، خلل ایجاد شد و نماینده واقعی کارگران با ترفند کارفرما انتخاب نشده و دو تن از کارگران نزدیک به مدیریت به عنوان نماینده انتخاب شدند.

با آنکه نماینده شرکت نفت آقای مهندس متجلی بارها در جلسات به پیمانکاران گوشزد کرد که «حق دریا» باید به کارگران داده شود و این محاسبه باید از روز اول استخدام هر کارگری محاسبه و به آنان پرداخت گردد اما آنچه رخ نداد وعده‌هایی چون اجرای طبقه بندی مشاغل و افزایش حقوق ها بود.

حال کارگران می پرسند با خلف وعده ها چه باید کرد؟؟؟

کارگران نیروگاه سنندج چه می گویند؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران نیروگاه سیکل ترکیبی سنندج ضمن پشتیبانی از جنبش برآمده مردمی اعلام کرده اند که: «با بیشترین آمادگی در محل کار به تولید برق و نیاز مردم اهتمام خواهیم ورزید و مردم را در این هنگامه بی برق نخواهیم گذاشت. اما آمدن نیروهای امنیتی و استقرار نیروهای نظامی و شبه نظامی در داخل نیروگاه فضایی را درست کرده که بیشتر مزاحمت برای پرسنل نموده است. ایجاد مزاحمت و تشویش برای کارکردن بیشتر و نیز ایجاد حساسیت برای روستاهای قلیان و ننه در همجواری نیروگاه ذهن و روح کارگران و اهالی این روستاها را بهم زده است. نیروگاه سنندج بخشی از ثروت مردم است و نیازی به حضور نیروهای غیرنیروگاهی ندارد و تامین امنیت محل کار به عهده خود کارگران و مردم همجوار است. ما خواهان خروج سریع نیروهای امنیتی از نیروگاه و عادی سازی وضعیت به مدیر نیروگاه هستیم و عواقب این حضور بی تردید موجب آرامش نخواهد شد.»

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن حمایت از این کارگران تاکید می کند در هر پروژه و کارخانه ای تامین امنیت محل کار به عهده خود کارگران است و حضور دیگر نیروها به روند عادی تولید برق صدمه خواهد زد.

شکم گرسنه خویشندار نیست!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، روز ۵ آذر ۲۰۰ کارگر کارخانه سرماآفرین تولید کننده دستگاههای گرمایشی و سرمایشی در استان البرز به دلیل عقب افتادن دستمزدهایشان دست به اعتصاب زده و در مسجد و حیاط کارخانه متحصن شدند. آقای کلاهدوز مالک کارخانه پس از ساعاتی در جمع کارگران حاضر شده و آنان را به خویشنداری دعوت کرد که کارگران یکصدا اعلام کردند: «شکم گرسنه خویشنداری نمی داند»

کارگران امروز برای سومین روز در مسجد و حیاط کارخانه متحصن شده و نمایندگانشان خواسته های خود را به ره به مالک کارخانه بدین شرح اعلام کردند:

۱- پرداخت دستمزدهای عقب افتاده و قول کارفرما که مانند قبل ۵ ام هر ماه حقوق ها را پرداخت کند.

۲- اجرای طبقه بندی مشاغل

۳- تا زمان تسویه کامل حقوق های عقب افتاده، اعتصاب همچنان ادامه دارد.

مجمع مس سرچشمه و مطالبات کارگری معوقه

بر اساس گزارش دریافتی از گزارشگر پیام سندیکا در مجمع مس سرچشمه ، در آخرین ماه پاییز سال ۱۴۰۱ ، وضعیت نامناسب معیشتی برای اقشار زحمت کش جامعه استمرار دارد و در همین ارتباط برخی شرکت های اقماری شرکت ملی صنایع مس، پرداخت مطالبات پرسنلی خود را مطابق زیر در جریان دارند:

—شرکت پارسیان دست به گریبان مشکلات مالی پروژه اش است و وضعیت نقدینگی کارگاهی بسیار بغرنجی دارد.

-شرکت متبا با استمرار مشکلات مالی از شهریور ماه موفق به پرداخت حقوق پرسنل خود نشده است؛ این شرکت با گروه بندی حقوقی، برخی پرسنل ستادی را از پیش تر از شهریور ماه بدون حقوق باقی گذاشته است.

-شرکت نیروصنعت سرچشمه تاکنون موفق به پرداخت حقوق مهر ماه نفرات خود شده و یکماه عقب افتادگی حقوق دارد.

شرکت داریان پیمانکار فلوتاسیون سرباره، تا مهر ماه مطالبات نفرات خود را پرداخت کرده و دو ماه عقب افتادگی حقوق دارد.

-شرکت مبینا حقوق مهرماه را پرداخت کرده و بیش از یکماه در پرداخت تاخیر دارد.

-شرکت جهان پارس نیز فقط حقوق مهرماه را پرداخت کرده و یکماه عقب افتادگی حقوق دارد.

گزارشگر پیام سندیکا- مجتمع مس سرچشمه

"تبعیت از حقیقت، اجراء وظایف خود و مراعات حقوق دیگران، برجسته ترین و عمده ترین صفات مثبت انسانی است. انسان باید دارای دو وجدان باشد:

- وجدان منطقی (یا علمی)، یعنی وجدانی که دروغ و ضد حقیقت را تحمل نکند.

- وجدان اجتماعی، یعنی وجدانی که ستم و بی عدالتی را تحمل نکند.

آنکه فاقد این دو وجدان است، جانوری بیش نیست."



پیکرها بر خاک، آرمان ها بریاست!

افراد بسیاری وقتی در روند جنبش کارگری قرار می گیرند تبدیل به انسانهایی می شوند که نه تنها در سطح خانواده و دوستان شاخص می شوند بلکه عنصری حرکت دهنده در رسته شغلی خود نیز بدل می شوند.

حاج عباس خرم در تاریخ ۱۳۱۱/۱/۲ متولد شد. هیچکس فکر نمی کرد شاگرد نانوای اوایل دهه ۲۰ بتواند آن چنان رشد فکری پیدا کند که سالها در میان نانوایان تهران و کشور حرف اول را بزند و یاریگری موثر در جنبش کارگری به ویژه پس از کودتای خونین ۲۸ مرداد ۳۲ و سالهای سیاه پس از کودتا گردد.

حاج عباس خرم در اواخر دهه بیست عضوی موثر در میان کوشندگان نانوایان و شورای متحده گردید. او هیچگاه عقاید مذهبی اش را فراموش نکرد اما این عقاید باعث نشد که او از روند جنبش کارگری تا آخر عمر خارج شود و یا همبستگی کارگری را فراموش کند.

اتحادیه کارگران نانویان تهران در سال ۱۳۰۱ و با همت سیدمحمد دهگان از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران بنیان گذاشته شد. در دوران پهلوی اول همچون دیگر اتحادیه های کارگری از سال ۱۳۰۷ دچار تعطیلی اجباری قرار گرفته و اعضای موثرش مورد آزار و اذیت رضاخان کارگر ستیز قرار گرفتند. اما همبستگی کارگری را فراموش نکرده و در رساندن نان به خانواده های زندانیان سیاسی و سندیکایی تا شهریور ۲۰ لحظه ای تردید نکردند. این سنت بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دهه شصت پا بر جا ماند.

عباس جوان که از مبارزات کارگری درس ها می آموخت، در اواخر دهه ۲۰ کارگری فعال پر انرژی در میان نانویان تهران بود. آتش زدن محل سندیکای نانویان تهران در ۲۸ مرداد در حسن آباد بخشی از نفرت حکومت پهلوی از جنبش کارگری و کارگران نانوا بود.

حاج عباس خرم و دوستانش از کمک هایی که به خانواده های زندانیان سیاسی و به ویژه مخفی کردن خسرو روزبه افسر مبارز افسانه ای در خانه های خود خاطرات فراوانی داشتند و به آن افکار می کردند. حاج عباس خرم و سندیکای کارگران نانوا نه تنها سندیکای خود را بعد از یورش اوباش پهلوی احیا کردند بلکه یآوری مطمئن برای دیگر سندیکاها در احیا و برپایی سندیکاها بعد از ۲۸ مرداد بودند. حاج عباس خرم بارها نماینده کارگران ایران در سازمان بین المللی کار شد. سخنرانی های او در حمایت از مشکلات کارگران ایرانی زبانزد پیشروان کارگری بود. او در زمره کوشندگان بعد از ۲۸ مرداد بود که به اجرایی کردن تمامی قوانینی که در قانون کار ۱۳۲۵ گنجانده شده بود همت گماشتند.

سندیکای کارگران نانوا به رهبری حاج عباس خرم توانست همه نانویان را در اواخر دهه چهل بیمه کند. اعتصاب حماسی آنان و سازماندهی بی نظیر هیات مدیره سندیکا یکی از دستاوردهای درخشان جنبش کارگری است. هیات مدیره

سندیکا تصمیم به اعتصاب می‌گیرد. این تصمیم به همه نانوائی‌ها و کارگرانش اطلاع داده می‌شود و با حضور یکی از اعضای هیات مدیره در نانوائی‌های مورد نظر و چگونگی برگزاری اعتصاب، هماهنگی لازم می‌شود. با هماهنگی کوشندگان نانوائان و اعضای هیات مدیره، شب قبل از اعتصاب چندین هیات مدیره انتخاب می‌شوند. صبح زود هیات مدیره سندیکا در مقابل مجلس بست می‌نشینند در چشم بهم زدنی اعضای هیات مدیره دستگیر و به بازداشتگاه برده می‌شوند. ساعتی بعد هیات مدیره بعدی به وزارت کار رفته اسناد هیات مدیره دوم را تسلیم وزارت کار می‌کنند و به مقابل مجلس رفته تحصن می‌کنند. این گروه نیز دستگیر و به بازداشتگاه برده می‌شوند. هیات مدیره سوم و چهارم به همین گونه عمل کرده و راهی بازداشتگاه می‌شوند. وقتی از حاج عباس خرم در ساواک پرسیده می‌شود که مگر چند هیات مدیره در سندیکا دارید پاسخ می‌شوند: «تا آخرین کارگر نانوا» این اعتصاب طوری طراحی شده بود که تحصن کنندگان از یک منطقه خاص انتخاب شده بودند که وقتی گرفتار می‌شدند نانوائی‌های آن منطقه بدون نانوا مانده و تعطیل می‌شدند. ساواک در آخر وقت کاری پی به شیوه سازماندهی سندیکا برد و با تماس با وزیرکار وقت او را مجبور کرد به خواسته بیمه کارگران نانوا تن دهد.

سندیکای کارگران نانوائان تهران پس از دهه ۸۰ هم به یاری سندیکالیست‌های جوان آمد و با دادن محل سندیکا به هیات موسسان سندیکا‌های کارگری واحیا کنندگان سندیکای شرکت واحد، فلزکارمکانیک، نقاش وظیفه کارگری خود را به انجام رساند و با تمام فشارهای خانه کارگر و به خصوص حسن صادقی و علیرضا محبوب و نیروهای امنیتی به آنان یادآور شد: «اینها برادران ما هستند و تا هر زمان که بخواهند مهمان مایند، اینها را از اینجا بیرون نخواهیم کرد این خلاف مهمان نوازی است»

حاج عباس خرم در روز تاسوعای سال ۱۳۸۴ به سندیکای کارگران نانوا آمد و با کوشندگان سندیکایی نشست صمیمانه داشت. او در این نشست همه

کوشندگان را از تندروی برحذر داشت. او گفت: «شما در زمان و شرایط سختی مبارزه می کنید. امروز اتحاد شوروی و جبهه کشورهای مترقی وجود ندارند که از شما پشتیبانی کنند. ما در زمان شاه از حمایت بین المللی و به خصوص امتیازاتی که در کشورهای سوسیالیستی به کارگران شان داده می شد استفاده کرده، مبارزه را پیش می بردیم. امروز شما از این پشتیبانی محروم هستید لذا باید با حواس جمع و فارغ از تندروی عمل کنید تا آسیب نبینید. امروز تعدادتان کم است و کارگران کمی به شما پیوسته اند اما بدانید همه کارگرانی که در این لحظه در خانه های خود و یا در سرکار هستند روزی به شما خواهند پیوست پس به میان کارگران بروید. امروز شما با یک حکومت دینی طرف هستید پس از تندروی و دادن شعارهایی که جامعه هنوز آماده پذیرشش نیست خودداری کنید. پیروزی با شماست. سندیکای ما از اینکه شما مهمان ما هستید خوشحال است و هیچ قدرتی نمی تواند ما را وادار کند که مهمان را از خانه مان بیرون کنیم. بروید و مقتدرانه فعالیت کنید»

حاج عباس خرم آن قدر زنده ماند که پیروزی های کارگران سندیکای شرکت واحد، هفت تپه و فلزکارمکانیک را ببیند و دعای خیرش را برای همه کارگران رزمنده بدرقه کند. این کارگر مبارزه در ۱۳۹۹/۹/۲۱ و در سن ۸۸ سالگی با قلبی آرمانخواه و امیدوار به پیروزی زحمتکشان چشم از جهان فرو بست.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن گرامی داشت یاد و خاطره او، شیوه زندگی و مبارزه اش را سرمشق قرار داده و همچون این عزیز به پیروزی زحمتکشان اعتقادی راسخ دارد.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۱ آذر ۱۴۰۱

چرا مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی کم است؟

یکی از دلایل بی ارزش بودن مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی، اطلاع نداشتن بازنشسته ها از حقوق قانونی خود است. اگر بازنشستگان حقوق خود را بدانند بی تردید چنین ظلمی اتفاق نخواهد افتاد.

دومین موضوع این است که دولت به وظایف خود در قبال بازنشستگان عمل نکرده هر ساله تورم را کمتر از درصد واقعی با آمار غلط اعلام می کند و بر همین اساس مستمری بازنشستگان را افزایش می دهد. در حال حاضر دولت اعلام کرده است مستمری بازنشستگان را ۲۰ درصد افزایش خواهد داد. سوال اینجاست آیا واقعاً کالاها امسال ۲۰ درصد گران شده اند؟ از طرفی دیگر افزایش مستمری ها بر اساس تورم امسال محاسبه می شود ولی بازنشسته باید با این مستمری برای سال آینده که معلوم نیست گرانی ها بر چه پایه زیاد خواهند شد خرج کند. در تابستان امسال دولت قیمت ها را آزاد کرد و کالاها ۴ برابر گران شدند به همین خاطر دولت مبلغ ۳۰۰ الی ۴۰۰ هزار تومانی برای جبران به هر نفر یارانه داد ولی این مبلغ یارانه ای به هیچوجه پاسخگوی گرانی ها نیست. در ضمن دولت مبلغ همسان سازی هر ساله را که به بازنشستگان بدهکار است را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نمی کند همه این اعمال باعث می شود مستمری ها کفاف زندگی بازنشسته ها را ندهد.

موضوع سوم بی عرضگی هیات مدیره کانون های بازنشستگان است که اگر از حق بازنشستگان در طی این سالها درست دفاع می کردند مستمری ها این قدر بی ارزش نبود. بطور مثال ۲۵ درصد باقی مانده همسان سازی سال ۹۹ را پیگیری نمی کنند. همسان سازی سال ۱۴۰۰ و امسال را نیز سکوت کرده و به دنبال گرفتن آن نیستند. می توان ادعا داشت که اگر این همسان سازی ها انجام می شد حداقل دریافتی یک مستمری بگیر ۱۰ میلیون تومان در همین امسال می شد تا بار کوچکی از گرانی ها از دوش مستمری بگیران برداشته می شد.

اگر بازنشستگان حق و حقوق خود را بدانند و به میدان آمده و آن را مطالبه کنند و هیات مدیره های بی عرضه را از کانون ها بیرون کنند بی تردید زندگیشان اینگونه نخواهد بود. هیات مدیره کانون های بازنشستگی فقط به دنبال لفت و لیس خود هستند و به درد بازنشسته رسیدگی نخواهند کرد. با توجه به مسایل گفته شده مستمری بازنشستگان تامین اجتماعی هیچگاه کفاف زندگیش را نخواهد داد.

یکشنبه های اعتراض!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا امروز ۶ آذر جمعی از بازنشستگان متحد تهرانی در مقابل کانون بازنشستگان تهران تجمع کرده خواهان پاسخگویی هیات مدیره در مورد خواسته های عقب افتاده شدند. آنها پلاکاردهایی را همراه داشتند که از خواسته هایی چون : «چرا با بیمه آتیه سازان قرارداد بستید؟» «۲۵ درصد همسان سازی معوقه سال ۹۹ چه شد» «عیدی بازنشستگان مانند کارگران ۲ ماه

باید باشد» «هیات مدیره کانون چرا در مورد خواسته های بازنشستگان بیکار نشسته است». از هیات مدیره کسی برای پاسخگویی بیرون نیامد.

با حضور بازنشستگان دیگر، خبرنگاران قلابی هم پیدایشان شد و با گرفتن عکس تلاش کردند جمع را ترسانده به این تجمع خاتمه بدهند. این تجمع ساعت ۱۲ خاتمه یافت.

یکشنبه های اعتراض ادامه دارد!



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۰ آذر ماه بیش از ۲۰ نفر از بازنشستگان تهرانی در مقابل کانون بازنشستگان تهران گرد هم آمده و با در دست داشتن پلاکاردهایی خواسته های خود را بیان کردند. چند تن از بازنشستگان در خصوص همسان سازی دائمی، حقوق و عیدی ۲ ماهه مانند کارگران شاغل، پرداخت همسان سازی های عقب افتاده از جمله ۲۵ درصد باقی مانده همسان سازی سال ۹۹ و همسان سازی ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱، بیمه تکمیلی آتیه سازان که جز در دسر برای بازنشستگان نمود دیگری ندارد و برای سازمان تامین اجتماعی و مدیرانش و کانون های بی عرضه سود فراوان داشته و با این ترفند از اجرای قانون الزام درمان صفر تا صد شانه خالی کرده اند، سخن گفتند. هیات مدیره بی عرضه کانون جرات حضور در میان تجمع کنندگان نداشتند.



شلغم بخور

تا توانی ای برادر کم بخور	روز و شب را یک عدد شلغم بخور
ای برادر، می خوری خون جگر	تا غذا یک کاسه باشد بیشتر
زانکه با این نرخ ها و مزد کم	کی توان پُر کرد جایی از شکم؟
کی توان خوردن به جز باد هوا	لحظه ای با اشکنه کردن صفا؟
جز به زاغه کی توان مسکن نمود	دربه روی آرزوی خود گشود؟
ای توشرمنده ز فرزند و عیال	وی به چنگال گرانی پایمال
فاش می گویم که در این رهگذر	با همه کار و تلاش بیشتر
کس ز آسایش نگردد بهره ور	جز خداوندان آز و زور و زر

زنده یاد علی جعفری (کارگر بازنشسته)

وضعیت رضا شهابی در زندان بحرانی است!



سندیکای کارگران شرکت واحد در بیانیه ای که روز شنبه ۵ آذر منتشر کرده و رونوشت آن را برای فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری و سازمان جهانی کار هم فرستاده نسبت به وضعیت بحرانی رضا شهابی عضو برجسته ی این سندیکا در زندان ابراز نگرانی کرده است. در این بیانیه آمده است:

در پی تشدید دردها، رضا شهابی به بیمارستان امام خمینی اعزام شد. پزشک معالج این کارگر زندانی به وی اعلام کرده است که او بایستی بسیار فوری تحت عمل جراحی قرار گیرد. پزشک معالج اعلام کرده که دیسک مهره های C4 و C5 به شدت آسیب دیده است و به علت پارگی شدید دیسک ها، مهره های C1 و C2 هم تحت فشار شدید گرفته اند و در صورت عمل نشدن به صورت فوری، احتمال پارگی دیسک در این نواحی و صدمات جبرانناپذیر وجود دارد.

لازم به ذکر است در پی صدماتی که در سال ۸۹ در حین دستگیری و در دوران بازجویی بر رضا شهابی وارد گردید، وی متعاقباً در آن دوران مورد عمل جراحی کمر و گردن قرار گرفت. متأسفانه شرایط موجود در زندان اوین و فشار

بازجویی های طولانی، دردهای گردن و کتف رضا شهابی را تشدید کرد، اما در دوران بازجویی رسیدگی مناسبی به این کارگر زندانی صورت نگرفت.

رضا شهابی، عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، از ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱، بدنبال پرونده سازی های اخیر وزارت اطلاعات علیه فعالین سندیکایی و معلمان، بدلیل فعالیتهای سندیکایی و دفاع از حقوق کارگران بازداشت و هفته ها تحت بازجویی های متعدد و شدید قرار داشت که در اعتراض به این وضعیت به مدت ۴۲ روز در بند ۲۰۹ زندان اوین دست به اعتصاب غذا زده بود.

در پایان این بیانیه سندیکای کارگران شرکت واحد نگرانی جدی خود را از تداوم حبس رضا شهابی اعلام نموده و خواهان عمل جراحی فوری برای شهابی و آزادی وی شده است.

از شرکت واحد چه خبر؟

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پس از اعتصاب ۲ روزه رانندگان شرکت واحد در ۲۶ اردیبهشت که حمل و نقل شهری را در تهران مختل کرد، مدیریت شرکت واحد در اقدامی جدید با بستن قراردادی با ۲ شرکت پیمانکاری نیروی انسانی به نام های حامیان و هادیان رانندگان مورد نیاز خود را توسط این شرکت ها استخدام می کند تا حربه ای باشد برای کنترل اعتصابات کارگری در این شرکت.

در حال حاضر در شرکت واحد ۴۰۰۰ نفر در بخش های مختلف اداری، فنی، حمل مسافر شاغل هستند که از این تعداد ۱۵۰۰ نفر راننده رسمی و ۳۶۰ نفر راننده پیمانکاری می باشند. از سال گذشته تعداد بازنشستگان در بخش رانندگان سالیانه ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر می باشد. با این حساب تعداد رانندگان تازه استخدام شده توسط این دو شرکت امسال از مرز ۶۰۰ نفر خواهد گذشت.

حقوق این رانندگان پیمانکاری بطور متوسط ۸ تا ۱۰ میلیون کمتر از رانندگان رسمی است. این رانندگان در روز بیش از ۱۰ ساعت کار کرده و از مزایای بسیار کمتری نسبت به رانندگان رسمی برخوردارند. نکته مهم این است که این رانندگان هیچ ارتباطی با شرکت واحد نداشته و نمی توانند در رابطه با مشکلاتشان با شرکت واحد وارد گفتگو شوند. این رانندگان از ترس بیکار نشدن به خواسته های غیرقانونی کارفرمایان پیمانکاری تن می دهند. با توجه به گرانی های روز افزون، اعتراضات کارگری در شرکت واحد غیرقابل پیش بینی است.

مراسم سالروز قانون کار در خانه کارگر!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۲۹ آبان مراسم بسیار محدودی در دانشگاه علمی کاربردی خانه کارگر در خیابان طالقانی برگزار شد. خانه کارگر که مدعی است صدها هزار نفر عضو فقط در تهران دارد، با وجود دعوت سازماندهی شده از اعضای ویژه اش اما باز هم صندلی هایش خالی ماند. کمتر از ۱۵۰ نفر در این مراسم دست چین شده شرکت کرده بودند و طبق معمول کسانی که وضعیت اسفبار کنونی طبقه کارگر حاصل عملکرد آنان است سخنرانان جلسه بودند. در این مراسم بی عرضه هایی چون حسن صادقی، حسین کمالی، علیرضا محبوب که از کنار طبقه کارگر به سرمایه دار تبدیل شده اند در نقش مخالفین دو آتش ظاهر شده و داد سخن دادند. پس از سخنرانی های بی محتوا از حاضرین با زرشک پلو با مرغ پذیرایی شد تا این مراسم نشانگر حد بالای پدرسوخته بازی باشد. پلومرگی که فقط عده ای خاص باید بخورند.

در این مراسم جمعی از بازنشستگان متحد نیز در مقابل در حضور داشتند که به پخش متنی اعتراضی علیه بیمه تکمیلی و عملکرد کانون های بازنشستگی بی خاصیت، مبادرت ورزیدند و افرادی خاص نیز از آنان فیلم می گرفتند.

اعتراض به خصوصی سازی بانک رفاه کارگران

نامه زیر جهت اعلام مخالفت با خصوصی سازی بانک رفاه کارگران، توسط بیش از ۲۵۰۰ نفر از کارگران و بازنشستگان با ذکر شماره مستمری (یا شماره بیمه شده) امضاء و در تاریخ ۲۱ آبانماه ۱۴۰۱ تحویل دبیرخانه سازمان تامین اجتماعی شد.
(شماره نامه ۸۷۵۷۱۲۷۹ و تلفن دبیرخانه تامین اجتماعی برای پیگیری نامه ۶۴۵۰۲۳۲۳۲-۰۲۱ می باشد.)

ریاست محترم سازمان تامین اجتماعی

آقای میر هاشم موسوی

با سلام و احترام

اینجانبان امضاءکنندگان این نامه، کارگران شاغل بیمه تامین اجتماعی و بازنشستگان مستمری بگیران این سازمان که صاحبان اصلی سرمایه های بانک رفاه کارگران طی سالیان تاسیس تا کنون می باشیم و سرمایه تشکیل آن از حق بیمه های پرداختی ما و پدرانمان تامین شده است،

این سرمایه و خود بانک رفاه کارگران یک اندوخته بین النسله است.

بانک رفاه کارگران اموال دولتی نیست و ما بعنوان بخشی از صاحبان این بانک اعتراض خود را نسبت به خصوصی شدن بانک اعلام می کنیم و از شما می خواهیم به این عمل غیر قانونی تن ندهید.



بچه ها ، کی می تونه سه تا دروغ پشت سر هم بگوید؟

آقا من بگم؟

بگو

بانک رفاه کارگران



بعد از هیتلر، همه‌ی آلمان درک کردند که او چه بلایی بر سر کشور و زیربناهای آن آورده است؛ اما یک چیز نابود شده‌ی اساسی بود که هرکسی نمی‌فهمید و آن، خیانت هیتلر به کلمات بود. خیلی از کلمات شریف، دیگر معنی خود را از دست داده بودند، پوچ و مسخره شده بودند. عوض شده بودند. آشغال شده بودند. کلماتی مانند آزادی، آگاهی، پیشرفت و عدالت...

#هاینریش_بل



زن_زندگی_آزادی!!.

می خواستم کتابم را نذر تو کنم

به چشم‌هایت نگریستم

چشم نداشتی

می خواستم ببوسمت

به صورتت نگاه کردم

چهره نداشتی

میخواستم دستت را بگیرم

دست نداشتی.....

می خواستم کتابم را نذر تو کنم

اسم نداشتی

شعرم را کبوتر پس آورد....

عزیز نسین

مانده ایم!

که ما همچنان می نویسیم.

که ما همچنان در اینجا مانده ایم.

مثل درخت

که مانده است.

مثل گرسنگی

که اینجا مانده است.

مثل سنگ ها که مانده اند.

مثل درد که مانده است.

مثل زخم

مثل شعر

مثل دوست داشتن

مثل پرنده

مثل فکر

مثل آرزوی آزادی و

مثل هر چیز که از ما نشانه ای دارد!

" محمد مختاری " نویسنده جانباخته خشونت ورزی دولتی

باران میبارید...

کودک نگاهی به سوراخ کفشش انداخت. لبخندی زد.

سرش را رو به آسمان کرد و گفت:

خدایا گریه نکن، امشب میدوزم.

به مناسبت اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان!

سال نود و چهار از طرف دانشگاه رفتیم بازدید از ذوب آهن اصفهان، موقع ورود گفتند: «حق ندارید گوشی در بیارید، حق ندارید سلفی بگیرید» بعد از کلی دعوا رفتیم داخل. چیزهایی دیدم که هیچوقت از جلوی چشم کنار نرفت.

با یکی از کارکنان قسمت ذوب دوست مشترک داشتم اومد دست منو گرفت گفت: «بیا بریم نزدیک کوره» از شدت حرارت داشتم ذوب می شدم، جملاتش تقریباً یادمه، با کمی بالا پایین نقل می کنم.

گفت: «مهندس ببخشید دم در بدرفتاری کردیم. اینجا خیلی خطرناکه یک لحظه حواسشون بره سلفی گرفتن ممکنه فاجعه رخ بده. هفته پیش اشتباهی یک انفجاری رخ داد، یکی از بچه ها که تازه داماد بود کشته شد. ظاهرش سالم بودا ولی از داخل پخته شده بود، عین خمیر شده بود»

من مسئول اردو بودم گفت: «به دوستات بگو وایسند عقب، خودت بیا بریم جلو» کوره سوراخ شد و مذاب جاری شد، از حرارت مذاب داشت صورتم می سوخت.

گفت: «بیا بریم عقب تر وگرنه کفشات آب میشه. بعد گفت نگاه کن به این کارگرا، مو ندارند هیچکدام. به خاطر تشعشعاته، اینا همشون چند سال بعد از بازنشستگی می میرند، در اثر همین تشعشعات. کارگرای این قسمت زندگی خودشون را می فروشند به شرکت. می دونند زود می میرند. دلشون خوشه که بعداً یه حقوقی می دهند به زن و بچه هاشون» ادامه داد: «سیستم اینجا خیلی قدیمیه، مال روس هاست، مال فولاد مبارکه اروپاییه این قسمت هاش اتوماتیکه اما اینجا سیستمش روسیه، کارگر باید وایسه پای کوره ذوب»

یه دفعه دیدم کارگری مو داره گفت: «تازه استخدام شده اینم می ریزه، اینها بقیه شون هم جون هستند، کارشون سخت بوده زود پیر شدند»

به مناسبت برگزاری جام جهانی فوتبال



سوکرانس که با ترکیب ریش و سربندش در میدین فوتبال شناخته می شد و توان بالای او در باز کردن خطوط دفاع حریف با استفاده از هر دو پا زبازد بود، با شیوه خاص زندگیش شخصیتی مورد علاقه جوانان و هواداران هم نسلش بود.

این فوتبالیست سابق تیم کورینتیانس برزیل، به عنوان یک فعال سیاسی نیز شناخته شده بود و هرگز از بیان دیدگاه های سیاسی خود ابایی نداشت.

علاقه او به فوتبال و سیاست در کنار هم، باعث شکل گیری جنبش "دموکراسی کورینتیانس" در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی شد. در آن زمان دیکتاتوری نظامی برزیل رو به پایان میرفت و باشگاه کورینتیانس سائوپائولو تنها باشگاه ورزشی

جهان بود که به عنوان نمادی از مخالفت با حکومت نظامی برزیل، به شیوهای دموکراتیک اداره می شد.

شاید بسیاری از فوتبالیستهای هم عصر سوکراتس، ورزشکارانی مانند پله و گارینشا را الگوی خود می دانستند، اما سوکراتس این طور نبود.

قهرمانان او فیدل کاسترو و چه گوارا، رهبران انقلاب کوبا و جان لنون، خواننده ضد جنگ بیتل ها بودند.

او در سال ۲۰۱۰ در گفتگویی به بی.بی.سی گفت: "این مردم هستند که به من، به عنوان یک فوتبالیست محبوب، قدرت می دهند... اگر آنها قدرت بیان چیزی را نداشته باشند، من به جای آنها حرف میزنم. اگر من طرف مردم نبودم، هیچ کس حاضر نبود به حرفهای من گوش کند." من در سال ۱۹۶۴ ده ساله بودم که در مملکت من یک کودتای نظامی اتفاق افتاد و شاهد آن بودم که پدرم تمامی کتابهای بلشویکی خود را سوزاند. از همان زمان به مسائل سیاسی علاقه مند شدم. کودکی من در دیکتاتوری حاکم بر کشورم گذشت. از همان زمان و همیشه چشمان من بر روی بی عدالتی های اجتماعی حاکم بر کشورم باز شد، من رفیق تمامی کسانی بودم که مجبور به مخفی شدن و فرار کردن بودند.

دکتر سوکراتس که پیش از ورود به دنیای فوتبال در سن ۲۵ سالگی، مدرک پزشکی خود را گرفته بود، بعد از خداحافظی با فوتبال در سال ۱۹۸۹، بیشتر به کار پزشکی مشغول شد و در شهر ریبرائو پرتو به مداوای بیماران فقیر بطور رایگان پرداخت. سوکراتس، کاپیتان پیشین تیم ملی فوتبال برزیل در سن ۵۷ سالگی بر اثر عفونت حاد روده در بیمارستانی در شهر سائوپائولو درگذشت.

یاد همه ورزشکاران انسان دوست در خاطره مردم باقی خواهد ماند.

هشدار بهداشتی!



نوشیدن چای در «لیوان کاغذی» شما را مبتلا به سرطان می‌کند!

دانشمندان هشدار داده‌اند که نوشیدن قهوه یا چای در لیوان‌های کاغذی افراد را به میزان قابل توجهی در معرض سرطان قرار می‌دهد.

محققان آب داغ را در فنجان‌های کاغذی ۱۰۰ میلی لیتری ریختند و آن‌ها را به مدت ۱۵ دقیقه باقی گذاشتند؛ هنگامی که محققان آب گرم را زیر میکروسکوپ قوی بررسی کردند، به طور متوسط ۲۵۰۰۰ میکروپلاستیک را در هر فنجان پیدا کردند.

یک فرد معمولی که روزانه سه فنجان چای یا قهوه در یک لیوان کاغذی می‌نوشد، ۷۵ هزار ذره ریز پلاستیک را که با چشم غیر مسلح قابل مشاهده نیستند، می‌بلعد!

داستانی خواندنی

قدیم‌ها یک کارگر داشتم که خیلی می‌فهمید. اسمش قاسم بود. از خوزستان کوبیده بود و آمده بود تهران برای کارگری. اول‌ها ملات سیمان درست می‌کرد و می‌برد و درست اوستا تا دیوار مستراح و حمام را علم کنند. جنم داشت. بعد از چهار ماه شد همه‌کاری کارگاه. حضور و غیاب کارگرها. کنترل انبار. سفارش خرید. همه چیز. قشنگ حرف می‌زد. دایره‌ی لغات وسیعی داشت. تن صدایش هم خوب بود. شبیه آلن دلون. اما مهمترین خاصیتش همان بود که گفتم. قشنگ حرف می‌زد.

یک بار کارگر مقنی قوچانی‌مان رفت توی یک چاه شش متری که خودش کنده بود. بعد خاک آوار شد روی سرش. قاسم هم پرید به رییس کارگاه خبر داد. رییس کارگاه درجا شاشید به خودش. رنگش شد مثل پنیر لیقوان. حتی یادش رفت زنگ بزند آتش‌نشانی. قاسم موبایل رییس کارگاه را از روی کمرش کشید و خودش زنگ زد. گفت که کارگرمان مانده زیر آوار. خیلی خوب و خلاصه گفت. تهش هم گفت مقنی‌مان دو تا دختر دارد. خودش هم شناسنامه ندارد. اگر بمیرد دست یتیم‌هایش به هیچ جا بند نیست. بعد قاسم رفت سر چاه تا کمک کند برای پس زدن خاک‌ها. خاک که نبود. گل رس بود و برف یخ‌زده‌ی چهار روز مانده. تا آتش‌نشانی برسد، رسیده بودند به سر مقنی. دقیقا زیر چانه‌اش. هنوز زنده بود. اورژانس‌چی آمد و یک ماسک اکسیژن زد روی دک و پوزش. آتش‌نشان‌ها گفتند چهار ساعت طول می‌کشد تا برسند به مچ پایش و بکشندش بیرون. چهار ساعت برای چاهی که مقنی دو ساعته و یک‌نفره کنده بودش.

بعد هم شروع کردند. همه چیز فراهم بود. آتش‌نشان بود. پرستار بود. چای گرم بود. رییس کارگاه شاشو هم بود. فقط امید نبود. مقنی سردش بود و ناامید. قاسم رفت روی برف‌ها کنارش خوابید و شروع کرد خیلی قشنگ و آلن دلونی برایش حرف زد. حرف که نمی‌زد. لااکردار داشت برایش نقاشی می‌کرد. می‌خواست آسمان ابری زمستان دم غروب را آفتابی کند و رنگش کند. می‌خواست امید بدهد. همه می‌دانستند خاک رس و برف چهار روزه چقدر سرد است. مخصوصا اگر قرار باشد چهار ساعت لای آن باشی. دو تا دختر فسقلی هم توی قوچان داشته باشی. بی‌شناسنامه. اما قاسم بی‌شرف کارش را خوب بلد بود. خوب می‌دانست کلمات منبع لایتناهی انرژی و امیدند. اگر درست مصرف‌شان کند. چهار ساعت

تمام ماند کنار مقنی و ریز ریز دنیای خاکستری و واقعی دور و برش را برایش رنگ کرد. آبی. سبز. قرمز. امید را گاماس گاماس تزریق کرد زیر پوستش. چهار ساعت تمام. مقنی زنده ماند. بیشتر هم به همت قاسم زنده ماند. آدم‌ها همه توی زندگی یک قاسم می‌خواهند برای خودشان. زندگی از ازل تا ابد خاکستری بوده و هست. فقط این وسط یکی باید باشد که به دروغ هم که شده رنگ بپاشد روی این همه ابر خاکستری. اصلاً دروغ خیلی هم چیز بدی نیست. دروغ گاهی وقت‌ها منشا امید است. امید هم منشا ماندگاری. یکی باید باشد که رنگی کند دنیا را. کلمه‌ها را قشنگ مصرف کند و تزریق شون کند به آدم. رمز زنده ماندن زیر آوار زندگی فقط کلمات هستند. کلمات را قبل از انقضاء، درست مصرف کنید. قاسم زندگی‌تان را پیدا کنید.

فهم عطار و من می‌گم "قاسم" زندگی‌ها باشین

ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی: سازمان مکلف است میزان کلیه مستمری‌های بازنشستگی، از کار افتادگی کلی و مجموع مستمری بازماندگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یکبار کمتر نباشد با توجه به افزایش هزینه زندگی با تصویب هیات وزیران به همان نسبت افزایش دهد.

امنیت چیست؟

امنیت تنها به معنی عدم جنگ در کشور نیست، امنیت حقیقی یعنی تمام افراد جامعه بدون توجه به نژاد، دین، طبقه جنسیت و پایگاه اجتماعی از حقوق یکسان برای رشد برخوردار باشند. «نلسون ماندلا»

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است:

باید از همین امروز به مبارزه متشکل و مشارکت کارگران در سندیکاها توجه بیشتری کنیم؛ بطور مداوم و پیوسته کار کنیم تا سندیکاهای کارگری و دیگر تشکلهایی که دغدغه بهروزی مردم را دارند، هدایت و راهبری و اشکال دیگر مشارکت را - که به فعال کردن توده‌ها کمک نماید - ایجاد کنیم؛ در محل‌های کار و کارگاه‌های مختلف تمرکز نماییم.

همزمان، سندیکاهای کارگری باید از جنبش سندیکایی بازنشستگان حمایت و آنها را تقویت نماید؛ چرا که دولت‌ها با سیاست‌های خود زندگی روزانه آنها را بسیار سخت و طاقت فرسا نموده‌اند.

حمایت و همکاری از جنبش دانشجویی این کارگران فردا امری طبیعی برای جنبش سندیکایی است.

(آزادی های سندیکایی)

◆ ماده ۱- هر یک از کشورهای عضو سازمان بین المللی کار که این مقاوله نامه در باره آنها لازم الاجرا است، متعهد به اجرای مقررات زیر است.

◆ ماده ۲- کارگران و کارفرمایان بدون هیچ گونه تبعیضی می توانند آزادانه و بدون اجازه قبلی، سازمانهای خود را تشکیل دهند یا به سازمانهای موجود بپیوندند، به شرط آنکه اساسنامه های مصوب را رعایت کنند.

حرف های محبوبه فرحزادی معلم بازنشسته

من نه از خانواده شازده قجری و نه زمین دار و سرمایه دار بوده ام.

من از یک خانواده کارگری که پدرم کارگر بیکار شده از اصل چهار آمریکایی ترومن در ایران دهه ۴۰ هستم.

پدرم بدون هیچ حق و حقوقی از اصل چهار اخراج شد چون این اصل در ایران شکست خورده اعلام گردید خانواده من با فقر و تنگدستی روبرو شد و پدر بیکارم در صف بیکاران به دنبال کار می گشت.

برادر و خواهرم از کودکان کار بودند و در کودکی برای کمک به خانواده کار می کردند.

من یک واقعیت، از تاریخ زحمتکشان ایرانم.

من امروز معلم بازنشسته در ایرانم که برای گرفتن حقوق از دست رفته ام مرتب در کنار هم صنفی هایم در خیابان آواز حق طلبی می خوانم و بارها و بارها از طرف اطلاعات تهدید شده ام.

زیرا که من آواز خوان میادین شهر شده ام

من یک زنم

من یک انسان؛ و...

من فقط خواهان داشتن زندگی در شان و منزلت انسان هستم

و این تنها جرم من است

محبوبه فرحزادی

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

پدری توی بیمارستان نفسهای آخرشو می کشید و سه تا پسر هاش بالای سرش بودند.

رو کرد به پسر اولی و گفت: رستورانها مال تو. رو کرد به پسر دومی گفت: ۴ تا هتل هم مال تو. به پسر آخری هم گفت: عزیزم سوپرمارکتها هم مال تو. و از دنیا رفت. سه تا پسر شروع کردن به گریه و زاری

دکتر که شاهد ماجرا بود گفت: صبر داشته باشید. فردا، پس فردا سرتون به املاکتون گرم میشه و داغتون یادتون میره، ولی هیچوقت پدرتون رو فراموش نکنین؛ و براش فاتحه و خیرات کنین.

سه تا پسر گفتن: کدوم ملک؟ کدوم هتل؟ آقای دکتر پدرمون با نیشان آب معدنی می فروخت، آخر عمری داشت کاراشو تقسیم می کرد.

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

یک بار از دانش آموزی پرسیدم کار و بار بابات چگونه؟ در مضیقه نیستید؟

سرخ شد و بغض گلوش را گرفت. نگاهی پرسشگرانه کردم. چی شد پسر؟

خیلی یواش گفت: آقا پدرم کارگر شهرداری است. آشغال جمع می کند. همیشه یک جایی از بدنش درد می کند. بعضی وقتها هم دلهره دارد که اخراج خواهد شد و تا صبح نمی خوابد. آرام قطره اشکی از چشمان معصوم دانش آموزم بر روی میزم چکید.

پرسیدم میشه یک روز بابات بیاد مدرسه؟ خیلی دوست دارم ببینمش؟ چندین بار خواهش کردم و یادداشت دادم، بالاخره در یک شیفیت بعدازظهر آمد. خیلی خوش صحبت، خنده رو و با معرفت بود و عاشق کارش. او صحبت می کرد و سفارش پسرش را می کرد که سوم راهنمایی را تمام می کند باید چه رشته ای را بخواند و...

ولی من در فکر اجرای نقشه ام بودم. زنگ خورده بود و ۱۵۰۰ شاگرد صف بسته بودند که راهی کلاس شوند. به بهانه خداحافظی همراهش تا بالای پله های حیاط آمدم. به محض رسیدن نزد میکروفن و ناظم، باصدایی که به گوش بچه ها برسد گفتم: آقای من واقعا از دیدارت لذت بردم و خیلی چیزها یاد گرفتم و ای کاش همه انسانها از شماها الگو بردارند و... از این نوع حرفها. بعد در حالی که دستهای قاچ قاچ شده اش را در دستانم داشتم غافلگیرش کرده و خم شده از دستانش بوسیدم. نگو که اکثر بچه ها متوجه اوضاع هستند. یکی از آن دور گفت به افتخار آقایمدرسه از صدای کف بچه ها منفجر شد نمی دانم برای من کف زدند یا به آن عزیز زحمتکش، و یا برای هر دو. بعد از آن روز بود که شادی و طراوت را در چهره ان محصلم می دیدم و خوشحال می شدم.

نوشته (حسن کافی)

بیمه شدن کارگر از روز اول کار الزامی است

♦ در صورتی که کارفرما در زمینه حق بیمه کارگران قصور کند، بیمه شده می تواند با اطلاع دادن به نزدیک ترین شعبه یا مرکز ارتباطات مردمی (۱۴۲۰) این سازمان، تقاضای خود را در خصوص مراجعه بازرس به محل کار اعلام کند.

قطارهای مترو بازار متحرک دستفروشان

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا در متروهای تهران حداقل ۱۵۰۰ نفر دستفروش زن و مرد در حال فروش اقلام خود هستند. از دختر بچه و پسر بچه ۴ ساله تا پیرزن و پیرمرد ۸۰ ساله. این جدای فقیران متکدی و یا کسانی که برای نشاط مردم آهنگ می زنند و می خوانند می باشد. این سوای دستفروشان در اتوبوس های تهران است. ۹۰ درصد آنان کمتر از ماهی ۵ میلیون تومان درآمد دارند. بچه های خردسالی که برای روزی ۱۰۰۰ تا ۳۰ هزار تومان از صبح تا شب در متروها می چرخند.

از ساعت ۹ صبح زنان و دختران جوان در حالی که یک چمدان با خود حمل می کنند برای فروش محصولات خود وارد واگن های زنان شده از لباس زیر تا لوازم آرایشی را فروشنده اند. زنان ۱۵ الی ۲۰ درصد کل دستفروشان مترو می باشند. ماموران نیروی انتظامی، ماموران حراست مترو و حتا باندهایی که برای فروش محصولاتشان دستفروش ها را تعلیم می دهند خطوط مترو را در اختیار دارند و دستفروشان باید به اینان باج بدهند. این جدای گرفتار شدن به دست پلیس و تاراج شدن کالاهایشان است. درگیری بین فروشندگان کالاهای یکسان که حریم خود را رعایت نمی کنند و باندهای قدرت در مترو بسیار دیده می شود. با اینکه از سوی مسوولین مترو اعلام شده که دستفروشی در مترو ممنوع است و به دستگیری دستفروشان در مبادی ورودی مترو اقدام شده اما باندهای قدرت با اعمال نفوذ این اقدامات را خنثا کرده اند. در متروهای تهران روزانه ۲۰۰۰ میلیون تومان کالا فروخته می شود که سودی حداقل ۵۰۰ میلیونی برای بازار تهران دارد. ۵۰۰ میلیون تومان سود نقدی روزانه آن هم در شرایطی که چک های خریداران عمده هر روز بیشتر برگشت می خورد قابل ملاحظه است. محاسبه سود نقدی ۵۰۰ میلیونی فقط به مترو اختصاص داشته و اتوبوس ها را در بر نمی گیرد. سود ۵۰۰ میلیونی روزانه در مترو اشتهای مافیای مستقر در مترو را تحریک کرده و این بازاری نیست که بتوان از آن چشم پوشی کرد. کاری از گروه پژوهش و تحقیق بخش فرهنگی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

وظیفه سندیکاهای کارگری

در حالیکه جنبش کارگری و فعالان کارگری کشور از همه سو مورد تعرض سیستم سرمایه داری موجود هستند، مبارزه سازمان یافته و هماهنگ در سراسر کشور می تواند حرکت جنبش کارگری را وسعت بدهد.

تنها با مبارزه سازمان یافته، هماهنگ و با شعارهای مشخص است که می توان سرمایه داری داخلی را به عقب نشینی وادار کرد. طبقه کارگر ایران یکبار در دهه ۱۳۶۰ با وجود جو سرکوب شدید، و با اتکا به سندیکاهای کارگری توانست دولت و وزیر وقت کارش، احمد توکلی را با شکست رو به رو کند.

باید مبارزه بر ضد برنامه های ضد کارگری صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی را هر چه گسترده تر کرد. بی تردید مبارزه علیه برنامه های نئولیبرالیستی دولت از جمله ارزان سازی نیروی کار، نابودی سازمان تامین اجتماعی و زیر پا گذاشتن قوانین کاری که به نفع کارگران است، بخش جدا ناپذیری از مبارزه طبقه کارگر ایران برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری نیز می باشد.

چه غم انگیز خواهد بود

باور مفرط استبداد

در بدعتی جدید

و ساعتهایی

از کف رفته

و زخمی، به اندازه تمام جهالت و جمودیت

و فریادهایی

بریده بریده بر پهنه ی سکوتی مرگزا

در شبی نا آرام

و در روزی غبار آلود (نگار)

چرا با خصوصی سازی مخالفم!

کارگر فولاد : من می خواهم تولید کنم. با بذل و بخشش اموال بوجود آمده توسط من و امثال من به اطرافیان حاکمان مخالفم. این یک اختلاس است که من تولید کنم و نفعش را فقط دیگران ببرند. با خصوصی سازی مخالفم.

معلم : مدارس را که خصوصی کردند. عده ای پولدار تعلیم می بینند و عده ای با نداشتن پول نمی توانند آموزش کافی ببینند. همین باعث می شود پولداران در موقعیت بهتر و فقرا باز هم در مرتبه پایین تری قرار بگیرند. این امر باعث تداوم و باز تولید بی عدالتی می شود، بی عدالتی هم یعنی بیکاری، فقر، فساد و بدبختی بیشتر ... پس از خصوصی کردن بیزارم.

کارگر اتوبوسرانی : وقتی اتوبوسرانی خصوصی شود، صاحبان آن سعی می کنند خرج کمتر و دخل بیشتری داشته باشند. لاستیک های فرسوده، ماشین ترمز بریده و راننده ی خسته عواقب بدی را رقم می زند که دیدیم. پس با خصوصی کردن مخالفم.

پرستار: وقتی اختیار سلامتی فرد افتاد دست فرد، مرده را می برند اتاق عمل و بیرون می آورند و پول عمل انجام نشده را از فامیلش می گیرند. اصلن با

روح پزشکی در تناقض است. استفاده از ابزارآلات بی کیفیت، قناعت در به کار بردن وسایل مورد نیاز، بازی با جان انسان ها و کاهش شخصیت انسانی در قبال پول. اول پول بعد عمل و غیره صدها گرفتاری دیگر در پی خواهد داشت، چه نیازی است که سرنوشت سلامتی جامعه را به خطر بیندازیم. در حالی که همه امکانات فراهم شده به وسیله جامعه بوده. با خصوصی سازی مخالفم.

دانشجو: منابع زیادی است که برای جامعه تولید ثروت می کند، این ثروت متعلق به همه مردم است. من هم که اینجا درس می خوانم برای خدمت کردن در جامعه است. چه نیازی است که من به سختی از پدرم که ندارد بگیرم و به حساب اشخاصی که نه ایشان را دیده ام و نه بده و بستانی داشته ام واریز کنم. امکاناتی که متعلق به جامعه است آنقدر است که من هم بتوانم درس بخوانم. دانشگاه ها باید ملی شده و جمع گردند و به جای هزینه کردن های کم بازده آنها را صحیح مدیریت بکنند.

بازنشسته: بیش از سی سال زحمت کشیدم برای جامعه، حال که نوبت آموزش بچه من است یا نوبت کار بچه من است. باید پول بدهد و یا برده کارفرما و نماینده صاحب ملک شود. اصلن برای من قابل قبول نیست. جامعه توان و وظیفه دارد که امکانات برای بچه های من فراهم کند. اگر صاحب منصبان که حامی صاحبان ملک های واگذار شده از طرف خودشان با برنامه ریزی به نفع خودشان و شرکایشان که همان صاحبان صنایع و معادن و غیره ی واگذار شده هستند، عمل نکنند. طولی نخواهد کشید که به خواری عزل و به دست عدالت جامعه خواهیم سپرد.

**برگرفته شده از نشریه امید شماره ۲، نشریه بازنشستگان متحد
تهران، قزوین، بابل، رامهرمز**

اخلاق کارگری من!

از اخلاق قرن نوزدهمی مارکسیست می‌پرهیزم، که شاید به روایت دیگران بود و نه ما! یک سبک اخلاقی کانتی مدنظرم است. برای ما، انسان وسیله نیست **(قانون اول)** یعنی، غایت و هدف است. از، سپیده ی بزرگ تا، هکی ام، به کاربرد و پراکسیس اجتماعی شان. برای ما کاربرد جنسی زن بورژوایی نکوهیده است، زن ما هدف اخلاق است، فاقد هر وجه جنسی و ابزاری و مبتنی بر ابعاد "انسانی" اش! و همین طور هر انسان آزاده ی دیگر.

ما چنان رفتار می‌کنیم که عمل مان به مثابه قانون اجتماعی باشد **(قانون دوم)** ما با اعتصاب و اعتراض، علیه بی عدالتی می‌کوشیم. یکپارچه در برابر اجتماع، همین دختر آبی هستیم، این قانون مسجل ماست. ...

از کنفسیوس وام گرفتیم که هر آنچه بر خود نمی‌پسندیم برای دیگران هم نمی‌پسندیم **(قانون سوم)**

بر سر در معبد "دلف" هم منقش بود این کلام، مطالبه ی کاهش فاصله ی طبقاتی از همین سوست، به قول بودا: "تا کسی در فقر است، ما سعادتمند نیستیم"؛ همین وجه واپسین اخلاق ماست. ما از فرد منطبق بر نیازهای جمعی نمی‌گذریم، ما جان می‌دهیم برای آزادگی و ما دربندیم به سان اسماعیل بخشی و رفقا یمان در هپکو!

سرمایه داری!

آماده باش که وجه اصل انسان در دستان ماست!

ش.ص.زاهدی

فردا را می‌گیریم، فقط با همین!

از کارِ کارگران کاخ ساختن و...

از کنار هر پروژه ی ساختمانی در حال احداثی که عبور می کنید یک تابلوی زرد رنگ می بینید که نام مالک و مجری و مهندس را نوشته است. این تابلوی زرد را شناسنامه ی ساختمان می نامند. شناسنامه ی مالکین. شناسنامه ی صاحبان شهر. این شناسنامه ی زرد رنگ برای این است که حواس تان به بی شناسنامه ها جلب نشود. به کارگران ساختمانی که جز دستهای پینه بسته و کمر خمیده دارایی دیگری ندارند. پشت این تابلوها سازنده گان واقعی شهر هستند. کارگران ساختمانی که در راه ساخت و ساز و آباد کردن شهر درون چاه خفه می شوند، از ارتفاع به پایین سقوط می کنند، دچار برق گرفتگی می شوند، آجر روی سرشان می افتد و سیمان به اعماق ریه هایشان نفوذ می کند. صدها تن از این کارگران ساختمانی در طول سال کشته می شوند و صدها از آنها دچار نقص عضو می گردند. اما قرار نیست کسی آنها را ببیند. آنهایی که سر چهارراهها انتظار رسیدن وانت جوجه مهندس ها را می کشند و ما هر روز صبح از کنار آنها درست مانند تعدادی درخت خشک و بی اهمیت عبور می کنیم. مدل موهایشان را مسخره می کنیم. به سبک لباس پوشیدن شان پوزخند می زنیم و " جک و جواد " می خوانیم شان. و نمی دانیم که آنها شهر را می سازند بی آنکه هیچ سهمی از این شهر لعنتی ببرند. بی آنکه حتی یک تخت و یک اتاق گرم برای استراحت شبانه داشته باشند. ما چطور می توانیم به آبادانی شهرهایمان و نوساز شدن خانه هایمان مفتخر باشیم بی آنکه بدانیم خشت به خشت و رج به رج اثری دارد از خون دست و پای کارگران ساختمانی. از اشکهای شان در دوری از خانواده و از عرق تابستانی و پوست ترک خورده ی زمستانی. باید یک اسپری سرخ برداشت و جلوی نام مجری طرح نوشت: " بچه کارگری از پایین شهر و یا از روستاها .

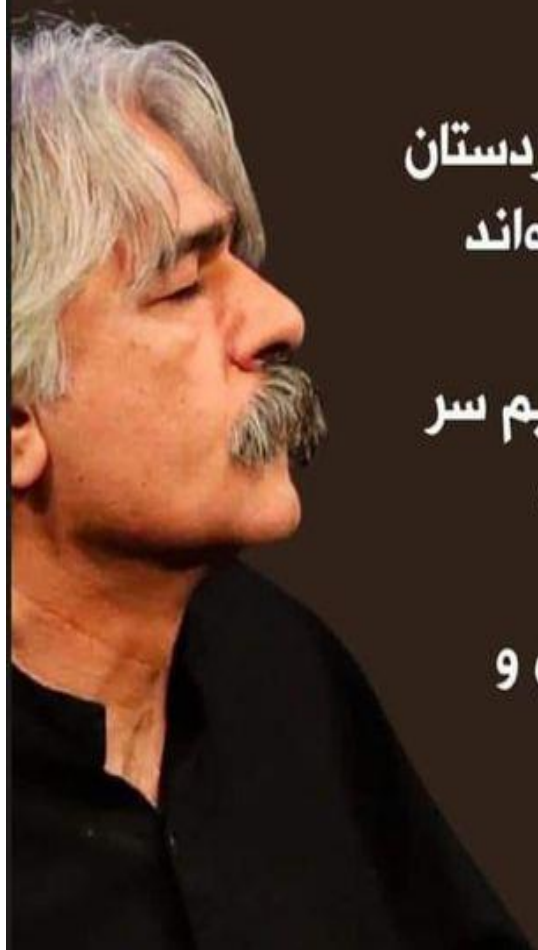
”

سال‌ها پوست کردستان
را زنده زنده کنده‌اند

بایستیم و نگذاریم سر
از تنش جدا کنند

دماوند غیرت کن و
آتشفشان شو

کیهان کلهر، موسیقی‌دان





تحصیل رایگان، درمان رایگان، زندگی مناسب حق همه انسانهاست!